افغانستان در سایهٔ رقابت‌های ژئوپولیتیکی جهانی
ناشی از جنگ اسرائیل و امریکا با ایران

جناب غ.دستگیر صادقی

مقدمه

تنش‌های دراز مدت میان ایالات متحده آمریکا، اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران، در نهایت به یک درگیری ویرانگر نظامی منجر شد که در بامداد روز جمعه سیزدهم جولای سال ۲۰۲۵ با عملیات غافلگیرانه و برق آسا ازجانب اسرائیل آغاز گردید و پس از سپری شدن مدت دوازده روز، تحت فشار قدرتهای جهانی و نهادهای بین المللی به یک آتش‌بسی شکننده، انجامیده است. خسارات انسانی و اقتصادی شدید، افزایش اعتراضات داخلی در کشورهای درگیرو نگرانی های ژیوپولتتیکی چین، روسیه و اتحادیه اروپا از گسترش جنگ، همه از عوامل موثر در رسیدن به توافق بودند. این آتش بس که توسط رئیس جمهور امریکا اعلام گردید، پس از یک جنگ ویرانگرکه تاسیسات هسته‌یی و حیاتی، مراکز موشکی و نفتی و زیرساخت‌های مهم در منطقه را نابود کرد و موجب تلفات سنگین و فراوان انسانی گردید، برقرارشده است؛ ولی جنگ به پایان نرسیده و ادعاهای ناشی از توهم قدرت از جانب هردو طرف با نواختن شیپور پیروزی همچنان ادامه دارد که موجب رویارویی های بیشتری در آینده خواهد گردید. این رویداد تاریخی، فارغ از جزئیات چگونگی آغاز و پایان آن، ژئوپلیتیک منطقه و جهان را به شدت دستخوش تغییر قرار داده است. در این جستار با برقراری آتش‌بس و احتمال پایان و یا همچنان ادامه جنگ، به بررسی چگونگی پیامدهای این رویداد بر منطقه، جایگاه افغانستان در این نظم جدید، و تأثیرهای آن بر این کشور در بستر ژئوپلیتیک پسا-جنگ با استفاده از انترنت و یادداشت‌های شخصی خواهیم پرداخت.

پیامدهای فوری و بلندمدت این جنگ را می توان چنین برشمرد:

- **بی‌ثباتی عمیق منطقه‌یی :** حتی با آتش‌بس، زخم‌های جنگ به سرعت التیام نمی‌یابند. منطقه با بحران‌های پناهجویی، کمبود غذا و دارو، شیوع بیماری‌ها و زیرساخت‌های تخریب شده مواجه است.
- **تغییرات در دولت‌ها و رهبری‌ها :** فشار جنگ می‌تواند منجر به تغییراتی در رهبری‌ها یا دولت‌ها در کشورهای درگیر و حتی کشورهای منطقه گردد.
- **افزایش نقش قدرت‌های میانجی :**کشورهایی که نقش میانجی را در برقراری آتش‌بس ایفا کرده‌اند (به ویژه چین و روسیه) نفوذ بیشتری در منطقه پیدا خواهند کرد.
- **بازآرایی ائتلاف‌ها :**ائتلاف‌های جدیدی در منطقه شکل خواهند گرفت و ائتلاف‌های قدیمی ممکن است تضعیف یا منحل شوند. برخی کشورها ممکن است به دنبال بازتعریف روابط خود با قدرت‌های جهانی باشند.

جایگا افغانستان در این بازی بزرگ پسا-جنگ:

افغانستان، به عنوان همسایه نزدیک ایران و کشوری که خود سابقه طولانی جنگ و بی‌ثباتی دارد، به شدت تحت تأثیر این "آتش‌بس پس از جنگ ویرانگر" قرار خواهد گرفت:

این تأثیرات عبارت اند از :

- **بحران انسانی و فاجعه مهاجرت :**این مورد، مهم‌ترین و فوری‌ترین تأثیر را برجا خواهدگذاشت. افغانستان با موجی بی‌سابقه از بازگشت اجباری مهاجران مواجه می‌شود که نیازمند سرپناه، غذا، آب و خدمات بهداشتی هستند. این امر می‌تواند منجر به فروپاشی سیستم‌های خدمات‌رسانی و تشدید فقر گردد.
- **فروپاشی اقتصادی و رکود عمیق :** با قطع روابط تجاری با ایران و بی‌ثباتی منطقه، اقتصاد افغانستان که پیش از این نیز ضعیف بود، وارد رکود عمیقی خواهد شد. کمبود کالاهای اساسی، افزایش بیکاری و کاهش درآمدها، بحران را تشدید می‌کند.
- **افزایش ناامنی و خشونت داخلی :** ورود گسترده مهاجرین، تضعیف مرزها، و احتمالاً بازگشت جنگجویان از مناطق درگیری، می‌تواند منجر به افزایش جرم و جنایت، تنش‌های قومی و حتی درگیری‌های داخلی در افغانستان شود. گروه‌های تروریستی ممکن است از این وضعیت آشفته برای بازسازی خود و حملات جدید استفاده کنند.
- **فشار بر رژیم طالبان :**طالبان با چالش‌های بی‌سابقه‌یی روبرو خواهد شد. مدیریت بحران انسانی، اقتصادی و امنیتی، نیازمند ظرفیت‌هایی است که این رژیم فاقد آن است. این فشارها می‌تواند به بی‌ثباتی داخلی، شکاف در درون طالبان، یا حتی در صورت عدم توانایی در مدیریت، به اعتراضات و شورش‌های مردمی منجر شود.
- **نیاز مبرم به کمک‌های بین‌المللی :** افغانستان بیش از هر زمان دیگری به کمک‌های بشردوستانه و توسعه‌یی بین‌المللی نیاز خواهد داشت. جامعه جهانی، با توجه به بحران‌های منطقه‌یی، ممکن است منابع محدودی داشته باشد، اما عدم کمک به افغانستان می‌تواند منجر به یک فاجعه انسانی بزرگ شود.

- **فرصت‌های بالقوه (در صورت ثبات نسبی) :** در یک سناریوی بسیار خوش‌بینانه، اگر آتش‌بس به ثبات منطقه‌یی منجر شود و قدرت‌های جهانی به دنبال بازسازی منطقه باشند، افغانستان می‌تواند به عنوان یک مسیر ترانزیتی مهم (پس از بازسازی زیرساخت‌ها) و منطقه‌یی برای سرمایه‌گذاری (به ویژه در بازسازی منطقه‌یی) در نظر گرفته شود. اما این امر به ثبات داخلی افغانستان و سیاست‌های طالبان بستگی دارد.

ژئوپلیتیک پسا-جنگ و اثرات آن بر افغانستان:

پایان یک جنگ ویرانگر منطقه‌یی، تغییرات عمده‌یی در ژئوپلیتیک جهانی ایجاد خواهد کرد که به گونه مستقیم بر افغانستان تأثیر می‌گذارد:

ژئوپلیتیک پسا-جنگ :

- **ظهور بازیگران جدید در میانجی‌گری :** قدرت‌هایی که نقش کلیدی در برقراری آتش‌بس و مذاکرات صلح ایفا کرده‌اند (مانند چین و روسیه) نفوذ و اعتبار ژئوپلیتیکی بیشتری کسب خواهند کرد. نقش سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی نیز برجسته‌تر خواهد شد.
- **تغییر تمرکز قدرت‌ها :** ایالات متحده و اروپا ممکن است به دلیل هزینه‌های جنگ و نیاز به بازسازی منطقه‌یی، تمرکز خود را بر روی بازسازی منطقه خاورمیانه و جلوگیری از گسترش بحران قرار دهند. این امر می‌تواند به معنای کاهش توجه به مسائل دیگر مناطق، از جمله آسیای مرکزی و افغانستان باشد، مگر اینکه افغانستان به عنوان بخشی از راه حل منطقه‌ای دیده شود.
- **تشدید رقابت برای منابع :** جنگ بر منابع انرژی و دیگر منابع حیاتی تأثیر گذاشته است. رقابت برای دسترسی به این منابع و کنترل مسیرهای ترانزیتی، به ویژه در منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی، تشدید خواهد شد.
- **تقویت دیپلماسی چندجانبه و منطقه‌یی :** نیاز به بازسازی و جلوگیری از درگیری‌های آتی، منجر به تقویت نهادهای منطقه‌یی و تلاش‌های دیپلماتیک چندجانبه خواهد شد.
- **تغییر در دستور کار امنیتی جهانی :** تروریسم و افراط‌گرایی، با توجه به بی‌ثباتی ناشی از جنگ، ممکن است ابعاد جدیدی پیدا کند و به یک اولویت اصلی در دستور کار امنیتی جهانی تبدیل شود.

اثرهای تغییرات ژئوپلیتیکی بر افغانستان :

- **در حاشیه قرار گرفتن یا مرکز توجه بودن :** افغانستان ممکن است در حاشیه توجه جهانی قرار گیرد، زیرا قدرت‌های بزرگ بر بازسازی مناطق جنگ‌زده تمرکز می‌کنند. یا برعکس، اگر بی‌ثباتی در افغانستان به حدی برسد که به تهدیدی منطقه‌یی تبدیل شود (مانند گسترش تروریسم)، این کشور دوباره به کانون توجه جامعه جهانی باز خواهد گشت.
- **وابستگی به قدرت‌های جدید :** افغانستان ممکن است برای دریافت کمک‌ها و حمایت‌ها، مجبور به نزدیکی بیشتر با قدرت‌هایی شود که در روند صلح و بازسازی منطقه نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کنند (مانند چین و روسیه) و نفوذ آن‌ها در منطقه افزایش یافته است.

- **اهمیت ژئواکونومیک (با چالش‌ها) :** با فرض بازسازی منطقه و نیاز به مسیرهای ترانزیتی، افغانستان می‌تواند نقش مهمی در ارتباطات اقتصادی منطقه‌یی ایفا کند، اما این امر مستلزم بازسازی زیرساخت‌ها و تضمین امنیت در داخل افغانستان است.
- **افزایش ریسک تروریسم منطقه‌یی :** بی‌ثباتی ناشی از جنگ می‌تواند منجر به گسترش ایدئولوژی‌های افراطی و سازماندهی گروه‌های تروریستی جدید شود که از مناطق جنگ‌زده به سمت افغانستان یا از افغانستان به مناطق دیگر نفوذ کنند.
- **لزوم سیاست خارجی متعادل و فعال :** افغانستان، باید یک سیاست خارجی بسیار محتاطانه، متعادل و فعال را در پیش بگیرد. این سیاست باید شامل همکاری با نهادهای بین‌المللی برای کمک‌رسانی، تضمین عدم استفاده از خاک افغانستان برای تهدید دیگران، و تلاش برای جلب سرمایه‌گذاری برای بازسازی داخلی باشد.

نتیجه‌گیری

پایان جنگ ویرانگر میان آمریکا، اسرائیل و ایران و برقراری آتش‌بس، آغازگر یک دوره جدید از بی‌ثباتی، چالش‌های انسانی و نیاز به بازسازی گسترده در منطقه خاورمیانه خواهد بود. افغانستان، به عنوان یک کشور همسایه و از پیش آسیب‌پذیر، به شدت تحت تأثیر این رویدادها قرار می‌گیرد. موج عظیم مهاجرت، فروپاشی اقتصادی و تشدید ناامنی، مهمترین پیامدهای فوری برای این کشور خواهند بود.

در بستر ژئوپلیتیک پسا-جنگ، که با تقویت نقش قدرت‌های جدید و تغییر در اولویت‌های جهانی همراه است، افغانستان باید هوشیارانه عمل کند. بقا و ثبات افغانستان به شدت به توانایی این کشور در مدیریت بحران‌های داخلی، جذب کمک‌های بین‌المللی، و ایجاد روابط متعادل با بازیگران منطقه‌یی و جهانی بستگی دارد. این دوره جدید، هرچند پر از چالش است، اما ممکن است در صورت ثبات نسبی و همکاری‌های سازنده، فرصت‌هایی را نیز برای بازسازی و ادغام بیشتر افغانستان در اقتصاد منطقه‌یی فراهم آورد. اما راه درازی در پیش است و آینده افغانستان، بیش از هر زمان دیگری، به تحولات منطقه‌یی و جهانی گره خورده است.

تاریخ افغانستان ثابت کرده است که این کشور نه قربانی اجتناب‌ناپذیر رقابت‌ها، بل اینکه بازیگری است که مقاومت و ظرفیت تغییر معادلات را دارد. آینده آن به توانایی رهبرانش در تبدیل "نفرین جغرافیا" به "فرصت ژئوپلیتیک" بستگی دارد و صرف این امر در وجود یک دولت سکولار، دموکراتیک، قانونمدار و مردمی می تواند تبلور یابد.

با حرمت

دستگیر صادقی

۳۰ جون ۲۰۲۵